

بازنمایی جریان مذهبی در ادبیات داستانی کودکان و نوجوانان

دهه‌های چهل و پنجاه

علی مرشدی زاد / عضو هیات علمی دانشگاه شاهد morshedizad@shahed.ac.ir

عباس کشاورز شکری / عضو هیات علمی دانشگاه شاهد

لیلا فارمر / دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد

چکیده:

در ایران پیش از انقلاب اسلامی ادبیات کودک و نوجوان ابزاری برای ایدئولوژی‌های مذهبی و چپ بود تا به این وسیله مفاهیمی منتقل شوند و در جامعه پذیری این نسل نو تغییری رخ دهد. روشنفکران، ادیبان و نویسندگان در داستانی کودکانه تغییراتی را می‌خواستند و در ناخودآگاه کودک و نوجوان نیز این مطالب را حک می‌کردند. ایدئولوژی مذهبی با تعاریفی جدید از ارزش‌های اسلامی، خواستار اسلامی اصیل بود که نه تنها در حوزه فردی بلکه در اجتماع نیز فعال باشد. برای این کار با انتقاد از اجتماع فاسد، حکومتی را ترسیم می‌کرد که تمامی قوانین اسلامی در آن رعایت می‌شد. برای درک بهتر کودکان و نوجوانان نیز از این حکومت مطلوب، حکومت حضرت علی (ع) را روایت می‌کردند تا الگویی باشد برای جامعه اسلامی. زبان ساده و مطالب روان نیز از دیگر خصوصیات این کتاب‌ها بود. بررسی دقیق‌تر این مسئله نیازمند نگاهی دقیق به ادبیات کودکان و نوجوانان و به طور اخص ادبیات مذهبی این گروه‌های سنی است. پس با روشی کیفی از نوع تحلیل تاریخی-اسنادی به این کتاب‌ها پرداخته می‌شود.

کلید واژه: ایدئولوژی مذهبی، ادبیات کودکان و نوجوانان، محمود حکیمی، ابوالفتح دعوتی، مرتضی مطهری.

تاریخ تایید ۱۳۹۱/۵/۷

تاریخ دریافت ۱۳۹۱/۴/۲

مقدمه

همواره قبل از انقلاب‌ها، مجموعه‌ای از آثار ادبی اعم از داستان و شعر، با ایده‌هایی که نشان دهنده ضعف‌ها و کاستی‌های موجود و ضرورت تحول در جهت دستیابی به آرمان‌های انقلابی هستند، ذهن مخاطبان خود را به سمت اهداف انقلابی معطوف می‌سازند (سارلند وهانت، بی تا). ادبیات ایران در دهه‌های چهل و پنجاه با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی آن زمان زمینه‌هایی از این تغییر و تحول خواهی را درون خود دارد. سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ در ایران سال‌هایی بودند که فضا به شدت سرکوبگر بود و مردم در خفقان به سر می‌بردند. اما در همین فضا و در سایه‌ی رهبری هوشمندانه امام خمینی (ره)، نهضتی در ایران شکل گرفت که منجر به وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ شد (حسینی، ۱۳۸۱).

جریان‌های فعال انقلابی در این دو دهه شامل دو جریان اصلی بودند: جریان مذهبی و جریان چپ. آثار تولید شده توسط این دو جریان به فراخور میزان مخاطبان هر کدام و میزان تأثیر گذاری آنها بر اذهان، افرادی را به سمت خود جلب کردند. نویسندگان این دو جریان در دو دهه مورد بحث آثاری را پدید آوردند که در آنها می‌توان ایده‌ها و آرمان‌های انقلابی را مشاهده کرد.

به همین ترتیب آثار مربوط به کودکان و نوجوانان تولید شده توسط این دو جریان نیز دارای ویژگی‌های متون انقلابی هستند. با تحلیل این متون می‌توان به درکی در خصوص زمینه‌های ادبی، فرهنگی و فکری شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نیز پرورش نسل انقلابی دست یافت (سارلند وهانت، بی تا).

در این تحقیق آثاری از ادبیات کودک و نوجوان آن دوران با توجه به جریان انقلابی مذهبی در این دو دهه تحلیل شده و بازمودهای این جریان انقلابی در این آثار مورد تحلیل قرار می‌گیرد. با توجه به هدف مورد نظر، از میان روش‌های کیفی، روش تحلیل تاریخی-اسنادی را انتخاب کرده تا تحلیلی مناسب از این آثار ارائه شود.

بحث نظری

هر انقلاب با توجه به شرایط مکانی و زمانی مختلف که در آن به وقوع می‌پیوندد، شکل خاصی از تغییر را رقم می‌زند. انقلاب‌ها در مجموع کنش‌های اجتماعی سریع و آنی هستند که با خشونت همراه بوده و باعث تغییراتی بنیادین در جامعه مورد نظر می‌شوند. معمولاً زمینه این تحولات از مدت‌ها قبل از وقوع آن حادثه شکل می‌گیرند. مقدمات

فراهم می‌شوند و در مقطعی خاص پدیده انقلاب به ظهور می‌رسد. برنتون در کتاب *کالبدشکافی چهار انقلاب* پس از بررسی دقیق انقلاب‌های مورد بحث خود، پنج مرحله را، که در این انقلاب‌ها مشترک بوده‌اند، تشخیص داده است که عبارتند از: مرحله پیش انقلابی، نخستین مرحله انقلاب، مرحله حاکمیت میانه روها، حاکمیت تندروها، و مرحله ترمیدور (پناهی، بی تا: ۴۳۰ و ۴۳۱).

وی مواردی را برای تشخیص مرحله پیش انقلابی در کشورهای فوق ذکر می‌کند. در این نظریه برای تخمین درجه وخامت اوضاع یک جامعه باید در جست و جوی نشانه‌هایی باشیم. البته تعداد این نشانه‌ها، بسیار زیاد و گسترده است. این متغیرها در رژیم‌های پیشین در هر جامعه‌ای به شکل‌های گوناگون و نسبت‌های متفاوت، که خاص آن جامعه است، با هم ترکیب شده‌اند. نشانه‌هایی که حاکی از فروریختگی قریب‌الوقوع در جوامع مورد بررسی برنتون هستند، عبارتند از: ۱- ضعف‌های ساختی، اقتصادی و سیاسی؛ ۲- تغییر بیعت روشنفکران؛ و ۳- طبقات و ناهمسازی‌های طبقاتی.

در پژوهش حاضر، با توجه به محتوای کار از بررسی عوامل ساختی، اقتصادی و سیاسی و همچنین از دقت در طبقات و ناهمسازی‌های طبقاتی چشم می‌پوشیم و مناسب با هدف پژوهش، تنها مورد تغییر بیعت روشنفکران را در نظر گرفته و فقط بررسی دقیق این فاکتور در میان نشانه‌هایی که حاکی از فروریختگی قریب‌الوقوع هستند، در نظریه برنتون مد نظر قرار خواهد گرفت.

این قسمت نظریه به وضع ذهنی و احساس گروه‌های گوناگون در درون این جوامع می‌پردازد. دهه‌های پیش از انقلاب در جوامع مورد بررسی برنتون، شدت عملی را از سوی گروه‌های فشار نشان می‌دهند که با گذشت زمان بیش از پیش در جهت دگرگونی ریشه‌ای حکومت موجود سوق داده می‌شود. برخی گروه‌ها در واقع از درخواست قانونی و تبلیغات فراتر می‌روند و به برنامه ریزی و سازماندهی عمل مستقیماً دست کم از میدان به در کردن حکومت به شیوه نمایشی می‌پردازند (برنتون، ۱۳۶۲: ۷۸-۷۹).

این گروه‌های فشار روشنفکرانی را شامل می‌شوند که با فعالیت در زمینه‌های گوناگون، علیه نظام موجود اقدام می‌کنند. اصطلاح روشنفکر را برنتون در مورد نویسندگان، هنرمندان، موسیقی‌دان‌ها، هنرپیشگان، معلمان و واعظان به کار می‌برد. به گونه‌ای کمی می‌توان گفت که در جوامع مشخصاً ناپایدار، روشنفکران بیشتری وجود دارند و در مقایسه با جوامع دیگر روشنفکران در این گونه جامعه بیشترند-یعنی همان کسانی که سخت به

نهادهای موجود می‌تازند و آرزومند یک دگرگونی چشمگیر در جامعه، کسب و کار و حکومت می‌باشند(همان).

بریتون با بررسی جامعه فرانسه در سال‌های پیش از وقوع انقلاب به اجرای نمایشنامه‌ای برخورد می‌کند که شاید در تاریخ بتوان از آن به عنوان یکی از مصادیق نمایشنامه‌هایی با پس زمینه تفکر انقلابی نام برد. بریتون در کتاب خود «نمایشنامه «عروسی فیگارو» را بررسی می‌کند و با آوردن جملات تکان دهنده‌ای از شخصیت اصلی داستان به تحلیل این نمایشنامه می‌پردازد.

ایده‌های نام برده شده، همان ایدئولوژی‌های انقلابی هستند که با تقبیح وضع موجود، آینده‌ای آرمانی را به تصویر می‌کشند. در واقع ایدئولوژی‌ها هستند که برای انقلابیون مسیر و هدف را مشخص می‌کنند و جهت بالا بردن آگاهی مردم عادی تلاش می‌کنند. ایدئولوژی‌های انقلابی به قول کارل مانهایم، وضعیت موجود را تقبیح می‌کنند و ایرادهای آن را برجسته می‌نمایند و در مقابل، وضعیت مطلوبی را برای مردم به تصویر می‌کشند و از مخاطبان می‌خواهند تمام هم‌خود را در جهت دستیابی به آن وضع مطلوب به کار برند.

ایدئولوژی به تعریف گی روشه «سیستمی از عقاید، باورها و ارزش‌هاست» پس بیانگر یک سازمان و ساختمان فکری است که پاسخ‌های مشخص برای پرسش‌های مشخص ارائه داده و طرحواره‌ای آرمانی برای زیست اجتماعی را بیان می‌کند. اسلام ایدئولوژیک، یعنی ایدئولوژیک کردن باورها و پندارهای دینی و تعبیه عناصر و تعاریف انقلابی و برانگیزاننده در این پیکره اندیشگی و آرمانی و اوتوپایی (باقی، ۱۳۸۳: ۱۵۱).

ایدئولوژی در انقلاب اسلامی ایران

در انقلاب اسلامی ایران، ایدئولوژی اسلامی ایدئولوژی غالب بود. علاوه بر آن، ایدئولوژی چپ نیز سابقه مبارزاتی در ایران داشت. ایدئولوژی‌های وابسته به هر کدام با ارائه ایدئولوژی‌هایشان به بسیج مردم و عضوگیری در میان آنها پرداختند. از آنجا که مذهب در انقلاب اسلامی نقش کلیدی ایفا می‌کرد می‌توان گفت اسلام شیعی، به عنوان ایدئولوژی غالب، توانست با نشان دادن قابلیت‌های خود در انطباق با جامعه و سیاست، مردمی را بسیج کند که تا آن زمان به صورت منفعلانه حاکمیت پادشاهان را پذیرفته بودند. البته این بی‌عملی ایرانیان در طول تاریخ نسبت به حاکمیت طاغوت، ناشی از نداشتن مذهب نبود، بلکه تفاسیری که از اسلام شیعی تا قبل از انقلاب ارائه شده بود با تفسیری که امام خمینی (ره)، دکتر شریعتی، استاد مطهری و دیگران در زمان انقلاب از این مذهب

داشتند، بسیار متفاوت بود (بیات، ۱۳۷۹).

مفاهیمی که امام خمینی (ره) از دین ارائه کردند تحولی در مفهوم دین بوجود آورد و آن را تبدیل به ایدئولوژی برای انقلاب کرد. همین عامل، همبستگی را در میان مردم ایجاد کرد که آنها را برای بسیج انقلابی آماده کرد. در برداشت امام خمینی (ره)، اسلام دینی بود که تمام زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی انسان‌ها را شامل می‌شد و سیاست را عین دیانت، و دیانت را عین سیاست معرفی می‌کرد (اخوان مفرد، ۱۳۸۱).

در ایدئولوژی‌های انقلابی، یکی از مهمترین کارکردها، نقد وضعیت موجود است. در ایدئولوژی امام خمینی (ره) نیز از وضعیت اجتماع ایران بسیار نقد شده است. در انتقادهای امام (ره) علیه وضعیت موجود، بر کم‌رنگ شدن نقش اسلام تأکید می‌شود و آن را نیز از نقشه‌های امپریالیسم می‌دانند. سلطه خارجی بر ایران، اقتصاد و نظام اقتصادی، فقر و محرومیت مردم، استبداد و ستم، بوروکراسی فاسد، عدم صلاحیت دولتمردان، عیاشی، اسراف و تجمل پرستی، انحراف و... همگی از شرایطی بود که در ایران وجود داشت و امام خمینی (ره) به آنها معترض بودند (همان).

ایدئولوژی علاوه بر نقد وضع موجود، مجموعه‌ای جدید از ارزش‌ها را نیز ارائه می‌نماید. ارزش‌های اسلامی نیز که در جامعه آن روز ایران بسیار کم‌رنگ شده بود، احتیاج به تعاریفی جدید داشت تا دوباره در میان مردم زنده شود.

مهم‌ترین ویژگی تغییر ایدئولوژیک، صراحت و تناسب داشتن با نوع دشمن و پیکار است. شریعتی تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا از عاشورا سلاحی برای عمل سیاسی بسازد. او از اینکه عاشورا فقط تبدیل به عزاداری شده است تأسف می‌خورد زیرا عاشورا در طول چهارده قرن تاریخ سیاسی اسلام، ضربه‌ای کوبنده بود که قدرت‌های حاکم را با هر لباس و شعار و مرامی در چشم جامعه اسلامی محکوم و رسوا می‌ساخت (هنری لطیف پور، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

در این سال‌ها به دلیل قدرت گرفتن ایدئولوژی‌های غیر مذهبی، که به طور طبیعی نو بودن ایده‌های آنها جاذبه می‌آفرید و از طرفی برای پرسش‌هایی که در برابر مذهب مطرح می‌کردند هیچ پاسخی وجود نداشت، مذهب را در موضع ضعف و دفاع قرار داده بود. در برابر کتاب‌ها و مجلات نو به نو که از سوی کمونیست‌ها، علم زدگان، غرب‌گرایان و... منتشر می‌شد و این نوشته‌ها افکار جوانان و به ویژه دانش آموزان و دانشجویان را تسخیر می‌کرد، بجز رساله‌های علمیه و چند کتاب حدیث، کتاب دیگری وجود نداشت که

کفایت نیازهای آن زمان را بنماید. در این زمان عده‌ای از مسلمانان تحصیل کرده به دفاع از مذهب برخاستند و از پایگاه‌های علم، نوسازی دینی را آغاز کردند. این گرایش توسط تحصیل کردگان دانشگاهی با همکاری برخی از علمای روشنفکر گسترش می‌یافت (باقی، ۱۳۸۳: ۱۷۶).

کتاب‌های کودکان در آستانه انقلاب اسلامی ایران

در سال‌های قبل از انقلاب علاوه بر فعالیت‌های گروه‌های مذهبی برای بزرگسالان، فعالیت‌هایی نیز برای کودکان و نوجوانان انجام می‌گرفت. در واقع سال ۱۳۴۰ نقطه عطفی در زمینه ادبیات کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. در این سال چرخشی بنیانی در کتاب‌های درسی پدیدار شد و روش تدریس و مطالب جدید کتاب‌ها، سن مطالعه را تقریباً سه سال پایین آورد. به این ترتیب جمعیت کتاب‌خوان در این گروه سنی ناگهان چندین برابر شد (حجازی، ۱۳۸۵: ۴۱). علاوه بر آن، تأسیس شورای کتاب کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از اقدامات مهم و تأثیرگذار در این دهه می‌باشند.

ادبیات در این دوره دارای خصوصیتی بود که باعث متفاوت بودن آن می‌شد. استعاره و رمزی بودن آثار، افزایش آثار ترجمه‌ای، کمبود قصه‌های واقعی و افزایش افسانه‌ها، کمبود شعر و اشعار کودک، زبان و نثر نامناسب و کمبود آثار مذهبی خصوصیات ادبیات کودکان و نوجوانان دو دهه قبل از وقوع انقلاب اسلامی هستند (شجری، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۱۱).

استعاره و رمزی بودن آثار کودکان و نوجوانان در این دو دهه به دلیل آثاری بود که روشنفکران انقلابی می‌نوشتند. برای مثال در ایدئولوژی انقلابی چپ، همانطور که گفته شد، صمد بهرنگی معروف‌ترین و مؤثرترین این نویسندگان است. او با آثار خود، کارکردهای ایدئولوژی انقلابی چپ را به گونه‌ای بسیار قابل تأمل در قالب داستانی برای کودکان و نوجوانان بیان می‌کرد. در واقع این داستان‌های انقلابی برای بزرگسالان نیز جذابیت بالایی داشت.

البته این آثار تنها به روشنفکران و نویسندگان وابسته به ایدئولوژی چپ نبود. نویسندگان مذهبی نیز در همین سال‌ها دست بکار نوشتن داستان‌هایی سیاسی به زبانی ساده برای نسل جدید شدند. برای مثال شهید مطهری در سال ۱۳۳۹ لزوم این امر را احساس کردند و داستان‌های مذهبی و روایات زندگانی پیامبر اسلام و امامان را با زبانی ساده و قابل

فهم برای کودکان در کتاب «داستان راستان» روایت کرد. به دلیل استقبال مردم از این اثر، نویسنده جلد دوم آن را نیز در سال ۱۳۴۳ نوشت. داستان‌های روایت شده در این دو جلد، تنها داستان‌هایی اخلاقی و عبرت آموز برای کودک و نوجوان نبود، بلکه برخی داستان‌های این کتاب مفاهیم سیاسی و انتقادی را در خود جای داده بودند که به طور ناخودآگاه کودک را تحت تأثیر خود قرار می داد. که البته چنین کتابی از این نویسنده انقلابی قابل انتظار بود.

نویسنده این کتاب، استاد مطهری، در مقدمه جلد اول کتاب هدف خود را نوشتن کتاب داستان مذهبی به زبان ساده را بیان می کند. البته این کتاب به علت داشتن زبانی ساده و قابل فهم به گروه سنی خاصی تعلق ندارد، اما به علت ساده و روان بودن و کوتاهی داستان‌ها، برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان بسیار مناسب بود (مطهری، ۱۳۳۹: ۱۹).

با توجه به تاریخ نگارش مقدمه جلد اول کتاب - ۱۹ تیر ماه ۱۳۳۹ - داشتن تفکر اصلاحی نویسنده کتاب قابل توجه است، چون تا قبل از سال‌های دهه چهل هنوز فکر تغییر و انقلاب نفوذ چندانی نداشت و زمینه بروز و ظهور چنین تفکری نیز هنوز مهیا نشده بود. از لحاظ آماری و عددی نیز این اندیشه اصلاحی نمایان است. در میان ۷۵ داستانی که در جلد اول کتاب داستان راستان روایت شده است، تنها در داستان - علی و عاصم - وظایف حاکم عادل از زبان حضرت علی علیه السلام بیان می شود.

در اغلب داستان‌های کتاب، مفاهیم اخلاقی در قالب داستان‌های مذهبی و عبرت آموز برای خواننده کتاب نقل می شود. البته مواردی نیز از رعایت حقوق بیت المال از سوی امیرالمؤمنین علی علیه اسلام ذکر شده است که شاید نویسنده خواسته باشد که خواننده در هنگام خواندن کتاب و داستان‌ها، مقایسه‌ای کوچک میان اوضاع جامعه و حکومت آرمانی حضرت علی (ع) داشته باشد و خود میان خوب و بد بودن آن قضاوت کند.

جلد دوم کتاب داستان راستان در سال ۱۳۴۳ منتشر شد، اما نگارش کتاب در سال‌های قبل از آن انجام شده بود. غالب داستان‌های جلد دوم نیز به مسائل اخلاقی اختصاص دارد. اما از لحاظ آماری، تعداد داستان‌هایی که از وضعیت جامعه انتقاد می کند به طرز ملموسی افزایش یافته است، تعداد این داستان‌ها از یک داستان میان ۷۵ روایت به شش داستان از ۵۵ داستان افزایش یافته است.

در شش داستانی - کابین خون، اولین شعار، برنامه کار، هشام و طاووسمانی، تصمیم ناگهانی، پسر حاتم - که در جلد دوم داستان راستان قابل بررسی است، مفاهیم عدالت

حاکم، ظالم و ستمگر، مصادیق کمک به ظلم و ظالم، داشتن صراحت لهجه برای بیان عقاید و نترسیدن از مجازات، خصوصیات حاکم در دین اسلام، تفاوت میان پادشاهان و پیامبران مطرح می‌شود. نویسنده علاوه بر این مفاهیم، در داستانی به نام *کابین خون* که از جنگ صفین تا شهادت امیرالمؤمنین علی (ع) روایت می‌کند، به حکومت حضرت علی علیه السلام در کوفه، به خوارج و اعتقادات آنها و در نهایت به ماجرای شهادت حضرت می‌پردازد. این داستان به عبارتی سیاسی‌ترین داستان کتاب می‌باشد که نویسنده نیز در مقایسه با دیگر داستان‌ها، بهای بیشتری به آن داده و صفحات بیشتری (هفده صفحه) را برای نقل به آن اختصاص داد است.

هرچند داستان‌هایی که در این کتاب به منظور انتقاد و اصلاح اجتماع مطرح شده است بسیار کم می‌باشد، اما همین تعداد کم نیز به دلیل استقبال بی نظیر از این کتاب در سال‌های پیش از انقلاب، تأثیر خود را داشته اند و مهم تر از آن این که این کتاب چون به عنوان فتح بابی در زمینه نگارش چنین داستان‌هایی می‌باشد ارزش آن را افزایش می‌دهد.

علاوه بر این نکات، همین چند داستان ساده و کوتاه می‌توانند بیانگر ایدئولوژی انقلابی استاد مطهری باشد. در حقیقت ایشان با مطرح کردن حکومت حضرت علی (ع)، هم حکومت مطلوب از نظر اسلام را نشان می‌دهند و هم برای حکومت‌ها در دوران‌های مختلف الگویی مناسب ارائه می‌دهند. تشکیل حکومت توسط امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در آن تمامی احکام اسلامی رعایت می‌شد، نیز می‌تواند نشانه‌ای بر حقانیت احکام اجرایی اسلام باشد.

نکته دیگر این مجموعه داستان، داستانی است که در مورد صراحت لهجه و بیان عقاید ابوذر نقل می‌شود که ایشان بدون هراس از مجازات بر اعتقادات خود با زبانی رسا پافشاری می‌کند، این داستان روحیه صبر و شکیبایی را در خواننده تقویت می‌کند و او را به صبور بودن و نهراسیدن تشویق می‌کند (همان: ۳۱۰-۳۱۴). به طور کلی همین روایت داستان‌هایی از زندگانی انبیا و امامان و افراد مسلمان تأثیر گذار در طول تاریخ اسلام با زبانی ساده نیز از دیگر خصوصیات ایدئولوژیکی این کتاب می‌باشد.

بعد از نگارش جلد دوم کتاب *داستان راستان*، نویسندگان دیگری نیز فعالیت‌هایی را در زمینه چاپ کتب مذهبی با درون مایه انقلابی آغاز کردند. مصطفی زمانی نیز یکی از همین نویسندگان بود. او در سال‌های بعد از ۱۳۴۳ داستان‌هایی از پیامبرانی نوشت که علیه حکومت ستمگر زمان خود قیام کردند. *ابراهیم بت شکن*، *قهرمان توحید* نام یکی از همین

آثار است. اما این داستان‌ها برای کودک و نوجوان نوشته نشده بود و مخاطبان آنها را دانشجویان و نسل جوان تشکیل می‌دادند. ولی از سال ۱۳۴۵ به بعد با مشاهده مفاسد جامعه و تأثیر آنها بر کودکان و نوجوانان وارد دنیای آنها می‌شود و برای آنها داستان‌های مذهبی را بیان می‌کند. او میان سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹ چندین داستان برای این نسل نوشت برای مثال داستان *ای خدا چرا رفوزه شدم؟* یکی از آثار این نویسنده مذهبی است.

کتاب *ای خدا چرا رفوزه شدم؟* که در سال ۱۳۴۶ منتشر شد، درباره دو برادر می‌باشد که در چهار بخش مختلف به زندگی آنها پرداخته می‌شود. در مقدمه کتاب، هدف از نگارش این کتاب داستان رشد اخلاقی و دینی نسل آینده معرفی می‌شود. البته با توجه به هدفی که نویسنده از تحریر این کتاب بیان می‌کند، دیده می‌شود که داستان‌ها بیشتر بر مفاهیم اخلاقی و اصلاح دینی نسل کودک و نوجوان تأکید می‌کند و مفاهیم سیاسی و انتقادی که در ایدئولوژی انقلابی دینی وجود دارد کمتر به چشم می‌آید (زمانی، ۱۳۴۶: ۸). در عین حال، با بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر این داستان می‌توان تفکر انقلابی، سیاسی و انتقادی نویسنده را در قسمت‌های مختلف داستان درک کرد. مثلاً، صحبت از صبر و استقامت کردن برای بهتر شدن اوضاع زندگی و رسیدن به هدف‌ها همان فاکتوری است که در ایدئولوژی به نام تقویت روحیه صبر و شکیبایی نامیده می‌شود، و نقل کردن داستان حضرت یونس (ع)، پیامبری که برای اصلاح جامعه و راهنمایی مردم فرستاده شده بود، اما در راه خدا صبر و استقامت پیشه نکرد و به آب انداخته شد. دلیل به آب انداخته شدن او را نیز، رها کردن مردم و بندگان خدا و شانه خالی کردن از وظیفه خویش که هدایت مردم بوده است، بیان می‌شود. می‌توان گفت امید داشتن به آینده ای بهتر در سایه راهنمایی‌ها و رهبری کسانی مانند پیامبران، هدف از بیان داستان حضرت یونس باشد (همان: ۷۸).

در داستان دو برادر، یکی از آنها رفوزه می‌شود، مدیر و معلمان مدرسه در پی یافتن راه حل این مسئله در میان دانش آموزان بر می‌آیند. در خلال بحث‌ها میان معلمان و مشاوران مدرسه، یافتن سرچشمه رفوزه شدن مهم‌ترین مسئله می‌باشد که با دست یافتن به آن می‌توان به حقیقت رسید. با دریافت حقیقت می‌توان به سعادت و عظمت اجتماع خدمت کرد. همچنین، می‌توان کودکان را در مسیر صحیح اخلاق قرار داد و رشد فکری در نهادشان ایجاد کرد. در نتیجه رشد فکری کودکان و نوجوانان، دین آنان نیز تقویت خواهد شد و در سایه دینداری می‌توانند در راه حفظ استقلال و عظمت خود بکوشند و در مبارزه با فساد نیرو بگیرند (همان: ۱۷۰). یعنی به اعتقاد نویسنده، یافتن سرچشمه رفوزه شدن دانش

آموزان، راه مستقیم برای مبارزه با فساد و حفظ استقلال و عظمت است. داستان کتاب با معرفی این سرچشمه‌ها پی گرفته می‌شود: بدآموزی محیط و مکان‌های عمومی و کنترل کردن آنها، که به عقیده مدیر مدرسه یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌ها محسوب می‌شود (همان: ۱۸۱). این مسئله، از اصلی‌ترین موضوعاتی می‌باشد که در آن سال‌ها، یعنی سال‌های پیش از وقوع انقلاب اسلامی، ذهن بسیاری از منتقدین را به خود مشغول کرده بود. در واقع نویسندگان و فعالان مذهبی که از این مسئله در جامعه بسیار آزرده خاطر بودند و کنترل کردن فساد از دغدغه‌های اصلی آنها به شمار می‌رفت، یکی از اهداف فعالیت‌های فرهنگی خود را، آگاهی بخشی به نسل کودک و نوجوان نسبت به فساد، قرار داده بودند.

مذاکرات میان مدیر و مشاوران مدرسه در داستان نیز بسیار جالب است. به اعتقاد مدیر مدرسه، که در واقع اعتقاد خود نویسنده کتاب می‌باشد، برای مبارزه با مفاسد نباید لشکر به راه انداخت و از زور استفاده کرد، تا مردم با اخلاق، دیندار و وظیفه شناس گردند. می‌توان از این اعتقاد نتیجه گرفت که نویسنده لزوم قیام مسلحانه را در زمان نگارش کتاب رد می‌کند و مبارزه فرهنگی را ترجیح می‌دهد. به عقیده مدیر، اجتماعی که از من و تو و دیگری تشکیل یافته است، اگر خودمان را اصلاح کنیم و در راه اصلاح اطرافیان و گروه خود برآییم، می‌توان تمام جامعه را اصلاح کرد. (همان).

در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹ داستان‌هایی تحت عنوان «داستان‌های اسلامی ماه» نیز منتشر می‌شد. این مجموعه داستان‌ها شامل سه جلد کتاب بودند که نویسنده دو جلد از این سه جلد داستان مصطفی زمانی بود. «دختر وظیفه شناس» یک جلد از همین مجموعه داستانی است. این کتاب در سال ۱۳۴۷ توسط انتشارات پیام اسلام در قم انتشارافت. دختر وظیفه شناس کتابی است با درون مایه اسلامی که داستان‌هایی را از بزرگان بیان می‌کند و هدف آن نیز، همانطور که خود نویسنده در مقدمه کتاب نقل می‌کند، کمک اخلاقی، فکری و رشد دینی نسل جوان است (مانند دیگر کتب نوشته وی) (زمانی، ۱۳۴۹: ۵).

مقدمه کتاب با شرح ماجرای واقعی آغاز می‌شود، ماجرای خودکشی پسری ۱۴ ساله دریکی از خیابان‌های تهران در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی. این ماجرا اذهان بسیاری را به خود مشغول کرد. زمانی نیز به عنوان روحانی که به اجتماع اهمیت می‌دهد، سؤالاتی پیرامون این حادثه ذهن وی را درگیر می‌سازد. مصطفی زمانی این‌ها را دردی می‌داند که هر دور اندیشی را به فکر چاره جوئی و درمان می‌اندازد تا جوانان را به راه راست هدایت

کند و از این راه خدمتی به دین، استقلال و امنیت مملکت خویش و رشد دینی و فکری آنان بنماید. به بیان دیگر، هدایت کردن نسل جوان و نوجوان تأثیری مستقیم بر استقلال و امنیت مملکت دارد (همان نکته ای که در داستان «ای خدا چرا رفوزه شدم؟» نیز نویسنده به آن اشاره می‌کند) (همان: ۶-۸).

این کتاب مشتمل بر بیست داستان است که علاوه بر روایاتی از زندگانی پیامبر اکرم (ص) و امامان، داستان اعدام سقراط و نوشیدن جام شوکران، حضرت‌عقوب و حضرت عیسی (ع) بیان می‌کند. این نویسنده در تعریفی جدید از ارزش‌ها که مطابق تعارف اسلام هستند، برای مثال از آزادی نام می‌برد و طبق تعریف اسلام از این مفهوم، افسار گسیختگی و خودسری آزادی نیست، انسان آزاد است ولی آزادی او نباید منجر به اعمال خلاف قانون شود و موجب سلب آسایش و آزادی دیگران گردد. در داستانی زمانی اعتقاد دارد که دشمن ممکن است به راه‌های مختلفی در آشیانه، منزل و مملکت نفوذ کند، این مادران فرزندان سرزمین هستند که می‌باید دشمن خود را بشناسند و سعی کنند که آلت دست او نگردند تا به دنبال آن همه چیز خود را از دست بدهند. وظیفه نونهالان اجتماع را این می‌داند که از هر فرصتی استفاده کنند و قمار، شراب، مواد مخدر و بالاخره اسباب نفوذ استعمار و شیطان بزرگ را بشناسند و از آن دوری جویند (همان: ۱۲۹).

کتاب مرگ سبز جلد دوم از مجموعه داستان‌های «قصه‌های اسلامی ماه» است که در سال ۱۳۴۷ توسط همین نویسنده نوشته و در سال ۱۳۴۸ انتشارات پیام اسلام قم آن را منتشر کرد. این کتاب مشتمل بر ۳۰ داستان است که نکات اخلاقی اسلامی را در بردارند و در برخی نیز اندیشه‌های سیاسی نویسنده را می‌توان یافت. تنها ۸ داستان در میان این ۳۰ داستان ذکر شده در «مرگ سبز» دارای محتوایی سیاسی-اجتماعی هستند که از آنها می‌توان برداشت‌هایی متفاوت کرد.

ماجرای عقیل برادر حضرت دیگر داستان این کتاب است، کسی که برای برداشتن سهم بیشتر از بیت المال به امیرالمؤمنین مراجعه می‌کند و پس از مقاومت و جواب رد شنیدن از حضرت به سراغ معاویه رفته تا او حاجتش را برآورده سازد. تأکید این داستان بر روی بیت المال استعنی ثروتی که باید به طور مساوی میان ملت تقسیم شود و در این بین کسی نسبت به دیگری در برداشت از این سهم برتری ندارد، خواه برادر حاکم باشد. در همین داستان نویسنده انتقادی نه چندان مستقیم و آشکار از حکومت پهلوی دارد که پول ملت را نه تنها به طور مساوی تقسیم نمی‌کنند بلکه خود و اطرافیان‌شان را از این سرمایه

سیراب کرده اند. او وضعیت موجود جامعه را از لحاظ عدالت در تقسیم بیت المال و سرمایه‌های کشور را مطلوب نمی‌داند (همان: ۳۲).

زمانی با ذکر مثال واقعی از عدالت امام علی (ع)، این عدالت را ممکن و اجرایی ارزیابی می‌کند، شاید بتوان گفت مصطفی زمانی با نقل چنین داستانی در دوره‌ای که استبداد شاه در جامعه حکمفرما بود، به نوعی از شرایط جامعه انتقاد می‌کند که به دلیل نبودن راه‌های مستقیم این اعتراض، بهترین شیوه را در داستان گویی یافته است.

زمانی همچنین خصوصیات حاکم و زمامدار ناشایست را در داستان «منبر مسجد نجس است» بر می‌شمارد. او ولید را نمونه زمامداری معرفی می‌کند که به جای نیکی به زیردستان و مستمندان، اجرای احکام الهی و حفظ قوانین مقدس اسلام، به خوشگذرانی پرداخت و باعث شد تا شیعیان کوفه علیه او قیام کرده و خواستار تغییر وی شوند. ولی چنین درخواستی از مسئول این زمامداران (عثمان) که خود نیز عدالتی نداشت، تغییری در اوضاع مردم بوجود نیاورد. به حکم عثمان، سعید بن عاص جایگزین ولید شد. اما او نیز که علاوه بر خصوصیات ولید، عوام فریب نیز بود، با تلاش کسانی مانند مالک اشتر و امثال او، به سرنوشت مشابهی گرفتار شد (همان: ۷۵).

به طور کلی نویسنده، خوشگذرانی، اجرا نکردن احکام الهی، بی‌اهمیتی نسبت به قوانین اسلام و عوام فریبی را از خصوصیات حاکمی معرفی می‌کند که دیر یا زود مردم برای تغییر او قیام خواهند کرد. در زمانی که افراد شایسته و کارداران (در داستان از ابوذر، مقداد و سلمان نام برده شده است) گوشه نشین باشند، نویسنده سرنوشتی بهتر از این را برای جامعه و ملت نمی‌بیند. مهم‌ترین فردی که در زمان عثمان مجبور به خانه نشینی شده بود، امام علی (ع) بودند که با اجبار به خانه نشین شدن ایشان تمام امور مملکتی به دست عثمان انجام می‌شد که نباید نتیجه‌ای بهتر از این را مشاهده کرد (همان: ۷۶).

در انتهای داستان نیز ذکر می‌شود که این حادثه مخصوص به عصر عثمان نیست. همین قسمت پایانی داستان در کتاب، بسیار قابل بحث است. می‌توان گفت که اگر دولت‌ها در همه امور مردم حتی دین آنها دخالت کنند، البته دولت‌هایی که بر پایه دین عمل نمی‌کنند، درگیری میان دولت و ملت گریزناپذیر خواهد شد. این پیش‌بینی مصطفی زمانی در مورد دولت پهلوی به حقیقت پیوست. حکومت پهلوی که تصمیم داشت دین مردم را از بین ببرد، در نهایت با اعتراضاتی از سوی مردم مواجه گشت که علیه اجرا نشدن قوانین اسلامی در جامعه بود و در نهایت آنرا نابود کرد و نظامی اسلامی و خواهان عدالت اسلامی

جایگزین آن گردید.

در داستانی دیگر نیز نویسنده بیدار شدن مسلمانان از خواب غفلت را چندان دور نمی‌بیند، خواب غفلتی که باعث شده است دشمنان اسلام از طریق کودکان و نوجوانان به مقاصد خود که ترویج بی بندوباری و لابی‌الگیری است، دستابند. این‌ها باعث تزلزل مسلمانان و جامه عمل پوشیدن به مقاصد آنها می‌شود اما روزگار چیزی دیگر برای آنها رقم خواهد زد (همان: ۹۶).

اما در داستان «همسر وفادار»، زمانی هشدار می‌دهد که تبلیغات سوء و خیانت سیاسی حکومت می‌تواند حق طلبان را دچار مشکل کند. او در داستان مختار را نمونه مردی معرفی می‌کند که در راه انتقام گرفتن از دشمنان اسلام، کشته می‌شود. در داستانی دیگر معاویه برای از بین بردن کسانی که حاضر به دین فروشی نشدند و بر عقاید خویش پایدار ماندند، مرگی را رقم می‌زند که نویسنده از آن با نام مرگ سبز یاد می‌کند (همان: ۶۶).

با ورود به دهه پنجاه، نویسندگان دیگری نیز به این جرگه می‌پیوندند و آثار بسیار ماندگاری را به جا می‌گذارند. محمود حکیمی از نویسندگان بسیار فعال این دوره به حساب می‌آید. در دوره‌ای که جبهه فرهنگی انقلاب نه وزارت فرهنگ داشت، نه سازمان تبلیغات، نه یک داستان‌نویس حرفه‌ای (در برابر آن همه نویسنده و شاعر و روشنفکر با تفکر چپ) محمود حکیمی بود و سوژه‌های بسیار برای رمان‌نویسی و تحقیق تاریخی. نام او با نشریات مشهوری چون «مکتب اسلام» پیوند خورده است. ایشان با مجله «مکتب اسلام» از سال ۱۳۴۷ همکاری را آغاز کرد و به وسیله همین مجله با استاد مطهری نیز آشنا شدند. (جعفریان، ۱۳۸۷: ۸۷۲-۸۷۳).

قهرمان کیست؟ مجموعه سه داستان می‌باشد که محمود حکیمی در سال ۱۳۵۲ نوشت. دو داستان از این سه داستان - قهرمان کیست؟ و از او برایم سخن بگو - در مورد مردمان سیاه پوستی است که با تاییدن نور اسلام در قلبشان، متحول شده‌اند. در داستان «از او برایم سخن بگو» علی، مرد سیاه پوست مسلمانی در آفریقای جنوبی می‌باشد. این جوان، رهایی خود از ظالم را به دلیل اسلام آوردن می‌داند. زیرا اسلام دین برابری و برادری است و همه با هم برابر هستند. در این داستان حکیمی، دین اسلام را راه نجات از ظلم معرفی می‌کند، در واقع این نکته را آدآور می‌باشد که برای رهایی از ظلم بازگشت به اسلام بهترین راه می‌باشد. (حکیمی، ۱۳۵۲: ۱۲).

شخصیت دیگر این داستان نیز مرد مسیحی در زندان است، او که دل خوشی از مذهب

به خصوص مسیحیت ندارد، مسلمانان را محکوم می‌کند. سخنان این مرد مسیحی در زندان، نشاندهنده یک ناامیدی زیاد برای رهایی است، در حقیقت به معنای پذیرش حقارت و فلاکت و بی‌عملی می‌باشد که انسان را به پوچی می‌رساند تا حدی که مرگ خود را طلب می‌کند. در اینجا نیز می‌توان گفت این مرد زندانی، نماینده ملتی می‌باشد، مانند ملت ایران، که در چنگال ظلم گرفتار بودند اما هیچ قدمی جهت بهبود وضعیت بر نمی‌دارند. در داستان این مرد زندانی که شناخت کافی از اسلام ندارد این دین را همانند مسیحیت به وسیله بودن در دست حاکمان متهم می‌کند. به عقیده او مذهب تنها وسیله‌ای است که ارباب با آن سیاهان مفلوک را فریب می‌دهد و همین دین حکم می‌کند که در مقابل ظلم مقاومت نکنیم و اجازه دهیم ظالم هر چه می‌خواهد ستم کند.

داستان «قهرمان کیست؟» در مورد اعتقادات مردی سیاهپوست است که در مسابقه مشت زنی، با مردی سفید پوست، به دلیل اعتقادات اسلامی شکست می‌خورد، و دچار مشکلاتی در زندگی ورزشی می‌شود. اما با تمامی مشکلات، باز هم بر اعتقاداتش استوار می‌ماند. در این داستان فساد معرفی می‌شود. از نظر دین اسلام، فساد آن چیزی است که موجب تجاوز به حقوق عموم است، نه آنچه مخالف امپال و هوس‌های مستبدان خواه. با تفکیکی که نویسنده میان فساد مورد قبول حکومت‌ها و تعریف مورد قبول اسلام قائل می‌شود، در واقع تعریفی جدید ارائه می‌کند که در راستای خواست تغییرات در جامعه می‌باشد (همان: ۲۱).

حکیمی همچنین در داستانی که در ظاهر تنها مسائل مذهبی را بیان می‌کند، به انتقاد سیاسی می‌پردازد. او در داستان قهرمان را کسی می‌داند که در شرایط هولناک، خانواده خویش را رها کرده و برای نجات جامعه به نبرد با نیروهای ستمگر می‌پردازد. در حقیقت قهرمانی را در مسابقات ورزشی نمی‌بیند بلکه قهرمانی را در تلاش برای نجات جامعه می‌بیند. (همان: ۲۳).

پرواز به سوی سیاره آزادی نام کتابی دیگر از همین نویسنده است که در سال ۱۳۵۳ توسط کانون انتشار منتشر شد. محمود حکیمی، نویسنده کتاب، این داستان را از نوع علمی تخیلی می‌داند که ماجرای سفر سفینه‌ای به سمت سیاره «آزادی» است. در این سفینه دانشمندان علوم مختلف در حال کاوش و آزمایشات مختلف هستند که پیامی از سیاره‌ای دور، ولی بسیار پیشرفته دریافت می‌کنند که تقاضای کمک برای نجات سیاره و اجتماعشان دارند. نهایتاً تصمیم گرفته می‌شود که سه متن مختلف شامل کتاب قرآن، انجیل

و اعلامیه حقوق بشر برای افراد سیاره، ارسال گردد و تصمیم‌گیری برای بهترین و کارآمدترین متن بر عهده خود آنها قرار گیرد (حکیمی، ۱۳۵۳: ۱۷).

هنگامی که دانشمند مسلمان در حال فکر کردن به این است که چگونه آنها می‌توانند معنا و مفهوم واقعی آیات قرآن را بفهمند، او بهاد چهل سال پیش می‌افتد (داستان در سال ۲۰۰۵ میلادی اتفاق می‌افتد). او به خاطر می‌آورد که در سال‌های قبل مسلمانان در خوابی سنگین فرو رفته بودند. تفرقه و جدایی میان مردم بسیار بود و حتی معانی برخی کلمات مانند آزادی، برابری و جوانمردی تغییر کرده بود. اما در همان زمان «مردی بزرگ» برای نجات جوامع مسلمین فریاد بازگشت به سوی قرآن را فریاد کرد تا مردم از خواب گران خود بیدار شوند. سرانجام تمامی تلاش آن «مرد بزرگ» به ثمر نشست و کوششی سخت برای رسیدن به آزادی شروع شد. (همان: ۲۰).

نویسنده در این صفحات از «مرد بزرگی» نام می‌برد که در انتهای کتاب توضیح می‌دهد که این مرد بزرگ، همان سید جمال الدین اسد آبادی است. اما، با کمی دقت و محاسبه دریافته می‌شود که چهل سال قبل از سال ۲۰۰۵ میلادی مصادف با سال ۱۳۴۴ هجری شمسی می‌باشد. سال ۱۳۴۴ تقریباً همزمان با آغاز نهضت اسلامی امام خمینی (ره) است، پس می‌توان گفت «مرد بزرگ» اشاره شده در متن کتاب پرواز به سوی سیاره آزادی نوشته محمود حکیمی، همان امام خمینی (ره) باشند که نویسنده با رعایت ملاحظاتی نام ایشان را نبرده است.

این داستان، در جهت تقویت آگاهی مردم از اسلام و احکام حکومتی آن نگارش شده است. به بیان دیگر حکیمی با ارائه راهکار برای بیرون رفتن از وضع موجود در جامعه، اجرای برنامه‌های اسلامی و احکام قرآنی به خصوص احکام اجتماعی آن را برای جامعه مفید و تنها راه برای از بردن فساد می‌داند.

یکی از سیاسی‌ترین و انتقادی‌ترین داستان‌های نوشته شده در سال‌های قبل از انقلاب برای کودکان و نوجوانان، داستان «نقابداران جوان» است. این داستان به گفته خود نویسنده در دوران برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی در چند قسمت در مجله نسل جوان به صورت داستانی دنباله دار چاپ شد و سپس به صورت کتاب درآمد.

داستان در مورد گروهی جوان است که در جهت اصلاح جامعه به صورت مخفیانه، فعالیت می‌کنند. ماجرا در کشور ایران در سال‌های پادشاهی خسرو پرویز یعنی سال‌های قبل از ورود اسلام به ایران، رخ می‌دهد. این جوانان دارای عقاید رادیکال هستند و لزوم تغییر

سیاسی را در جامعه درک می‌کنند. به علت همین فعالیت‌های ضد پادشاه و موبدان، آنها متهم به وطن‌فروشی هستند در صورتی که بیش از همه ایران را دوست دارند، چون برای بهبود اوضاع در آن تلاش می‌کنند.

نویسنده نقابداران را، که نماینده نسل جوان انقلابی در ایران هستند، قادر به تحمل چنین ننگی نمی‌داند که سرزمینی که روزگاری نماینده آزادی بود و افرادی چون کاوه آهنگر را داشت، اکنون به شاه و موبدانی دچار شده (در داستان خسرو پرویز) که مذهب را وسیله غارت بینوایان کرده‌اند (حکیمی، ۱۳۶۶: ۱۳).

نقابداران نیز برای رهایی، برای عدالت و راستی و آزادی تلاش می‌کردند، اما در این راه تهمت‌های فراوانی به آنها زده شد. موبدان آنها را آلت دست بیگانگان و جاسوسان می‌دانستند. دلیل تمامی این اتهام‌ها نیز مشخص بود: موبدان می‌دانستند که اگر آنها پیروز می‌شدند، افکار مردم را روشن می‌ساختند و آنها دیگر نمی‌توانستند بر دوش مردم سوار شوند (همان: ۱۴).

در این جامعه اختلاف طبقاتی، فقر و محرومیت، تبعیض و ظلم و فساد جان مردم را به لب رسانده بود. در دربار هزینه‌های سنگینی برای تجملات خرج می‌شد و سؤالی که مطرح بود این بود که این ثروت‌ها از کجا بدست می‌آید؟ به اعتقاد نقابداران این هزینه‌ها از کار و زحمت کشاورزان بدست می‌آمد. سؤالی نیز که پس از جشن‌های دوهزار و پانصد ساله شاهنشاهی مطرح می‌شد همین بود: هزینه‌های سنگین این جشن از کجا حاصل شده است. جواب نیز مشخص بود: کار و زحمت مردم بینوا.

اما جو سنگین حاکم بر کشور، مردم را به مردگان خاموشی تبدیل کرده بود که حتی به شرایط اعتراض هم نمی‌کردند. اما همین مردم با تحریک نقابداران، اعتراضات خود را بیان می‌کنند و از ظلم‌ها سخن می‌گویند. در درگیری میان نقابداران و افراد پادشاه، رهبر نقابداران فرار نمی‌کند و برای نجات مردم از استبداد پا به پای آنها می‌جنگد. به نظر او تا استبداد باقی است فساد و گمراهی و تباهی و دروغ هم هست، تا استبداد باقی است تبعیض، بی‌عدالتی و ستمکاری هم هست (همان: ۶۳).

باید رهبری وجود داشته باشد تا مردم را به آزادی خواهی و مقاومت دعوت کند. اما نقابداران می‌دانند تا ظهور چنین رهبری، آنها حتی قادر به آگاه کردن مردم بینوا هم نیستند و کلمات آزادی، برابری و عدالت برای مردمی نا آگاه، بی‌معناست. پس زمانی طولانی لازم است تا بتوان چنین نظام نیرومندی را سرنگون ساخت. اما بی‌عملی نیز همان تسلیم

شدن است. در آخر داستان ماجرای نامه پیامبر به خسرو پرویز شرح داده می‌شود که مژده رهبری عادل و در نتیجه تغییر بنیادین را به نقابدارن نوید می‌دهد.

در آخرین سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی که کم‌کم نهضت فراگیر می‌شود و تمامی مردم به آن می‌پیوندند، کتاب‌های داستانی کودک و نوجوان نیز دچار همین تغییرات می‌شوند. کتاب‌هایی چاپ می‌شود که نه تنها به طور غیر مستقیم و مستقیم از حکومت ظالم انتقاد می‌کند، بلکه مردم را به عمل سیاسی ترغیب می‌نمایند. البته در برخی نیز به قیام مسلحانه تشویق می‌کردند. اکنون دیگر سطح آگاهی مردم نسبت به سال‌های پیش افزایش یافته بود، آنها دیگر خواهان اصلاح نبودند و چاره‌ای کار را در انقلاب و تغییرات بنیادین می‌دیدند. همین مسئله در ادبیات داستانی مذهبی کودکان و نوجوانان به وضوح به چشم می‌خورد.

برای مثال، محمود حکیمی، در سال ۱۳۵۴ کتاب *سلحشوران علوی* را می‌نویسد. کتابی که سرشار است از مفاهیم دعوت به قیام و انقلاب و البته از نوع مسلحانه. در این کتاب نهضت سربداران را در قالب داستان برای نوجوانان نقل می‌شود.

با مطالعه این داستان، دیده می‌شود داستان‌ها رنگ و بویی انقلابی تر بخود گرفته‌اند، نویسنده‌ای که در کتاب *پرواز به سوی سیاره آزادی* آرمان شهری را به تصویر می‌کشد، اکنون راه رسیدن به این آرمان شهر را تجویز می‌کند. در حقیقت داستان این کتاب نمونه‌ای واقعی از قیام مسلحانه شیعیان است. نویسنده کتاب با نقل داستانی واقعی، انقلاب و تغییر را با تعالیم اسلام شیعی ممکن می‌داند. (حکیمی، ۱۳۵۴: ۲۹).

مراد و مرشد سلحشوران در کتاب، خطبه‌های حضرت علی (ع) را اسلحه‌ای می‌داند که هر بینوایی آگاه و آماده برای ستیز با ظلم، ستم، غارت و چپاول می‌کند (همان: ۳۴). او حتی نبودن رهبری را برای هدایت، عامل خو کردن مردم با حکومت مغول‌ها معرفی می‌کند. به اعتقاد وی، سکوت در مقابل ظلم و ستم بدترین عملی است که یک مسلمان می‌تواند داشته باشد، در حالی که با اتحاد و همبستگی می‌توان طومار حکومت ظالمان را (در داستان مغولان) را در هم پیچید و استقلال و آزادی را بدست آورد (همان).

به اعتقاد آنها اگر مغولان ادعای اسلام داشتند باید عدالت اسلامی را در جامعه اجرا می‌کردند. در واقع اجرای عدالت اسلامی هدف اسلام است. البته عدالت به معنای برابری همه انسان‌ها، و جامعه انسانی بدون پیشوای عادل راه به جایی نمی‌برد (همان: ۷۰). و شجره توحید در جامعه‌ای بارور می‌شود که عدالت در آن پابرجا شده باشد (همان: ۷۷).

این تعریف اسلام از عدالت، خواننده را با این مسئله مواجه می‌کند که در جامعه آن سال‌ها و با سلطنت رژیم پهلوی که آنها هم ادعای اسلام داشتند، آیا عدالت به این معناست و اصلاً عدالتی وجود ندارد. جواب این سؤال‌ها طبیعتاً انسان را با دنیایی متناقض روبرو می‌کند که سکوت در مقابل آن، به معنای واقعی ظلم پذیری است. پاسخ همین سؤال‌هایی که در ذهن مطرح می‌شد لزوم تغییر بنیادین را در جامعه طلب می‌کرد.

در داستان خطبه‌هایی از امام علی (ع) در نهج البلاغه بیان می‌شود که بسیار حماسی است. در تفسیر خطبه‌ها، نویسنده از زبان شیخ حسن آگاه ساختن مردم را باعث پیوستن آنها به حقیقت می‌داند و این آگاهی است که آنها را آماده نبرد با دشمنان (مغولان) می‌کند و قیام مسلحانه را در گرو پیوستن مردم به راه حق معرفی می‌کند. (همان: ۹۲).

داستان *شهدای فخر* کتاب دیگری از همین نویسنده است که ماجرای نهضتی در زمان هادی عباسی، توسط شیعیان را روایت می‌کند. این کتاب در سال ۱۳۵۶ توسط انتشارات جهان آرا چاپ شد. نهضت روایت شده در کتاب به رهبری حسین بن علی در شهر مدینه شروع شد و در شهر مکه شکست خورد. حسین از نوادگان حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام بود که به او آموخته بودند در هنگام ظلم و حق‌کشی، عدالت نابود می‌گردد و مسلمان یعنی کسی که در راه احیای توحید و عدالت بکوشد.

با چنین تربیتی او رهبری علویانی را بر عهده گرفت که پس از سقوط بنی امیه، گرفتار بنی عباس شده بودند. آنها که می‌دانستند خاندان علوی شایسته‌ترین افراد برای بدست گرفتن حکومت اسلامی هستند، تنها راه نجات از بنی عباس را در استفاده از شمشیر و نبرد بی‌امان با غاصبان افتند.

محمود حکیمی با نوشتن چنین داستانی در سال ۱۳۵۶، به وضوح هدفی خاص را دنبال می‌کرده است. او نهضت فخر را به عنوان الگویی از اقدام علویان علیه حکومت ستمگر، در پوشش کتاب داستانی برای نوجوانان، به مردم‌آوری می‌کند در حقیقت او به طور غیرمستقیم راه نجات شیعیان زمان خود را نیز، همان راه نجاتی می‌داند که علویان در زمان بنی عباس پیش گرفتند. زیرا رژیم پهلوی نیز مانند عباسیان به نوعی غاصب حکومت اسلامی بودند و اجرای عدالت غیر ممکن و تغییر حاکمان تنها چاره به شمار می‌رفت. پس، مقابله مسلحانه‌ای که در زمان بنی عباس توسط شیعیان انجام گرفت، در سال ۱۳۵۶ نیز علیه رژیم پهلوی لازم بود.

حکیمی در توضیح شرایط شیعیان در زمان خلیفه عباسی، ضعف و سستی مردم را دلیل

به حکومت رسیدن ظالمان می داند، حکومتی که در آن سایه ظلم و چپاول در همه جا گسترده شده بود (حکیمی، ۱۳۵۶: ۳۰). با چنین تفسیری از شیعیان زمان عباسیان، خواننده داستان می تواند مقایسه ای میان رژیم پهلوی و حکومت بنی عباس انجام دهد. در نتیجه این مقایسه، شیعیان در دوران حکومت پهلوی نیز خود مقصر هستند چون ضعف و سستی به خود راه داده اند و تسلیم این چنین حکومتی شده اند (همان: ۵۸).

میرابوالفتح دعوتی، از دیگر نویسندگان مذهبی این دوران است. ایشان داستان نویس مذهبی بود که داستان های پیامبران را برای کودکان می نوشت و در سال ۱۳۵۵، کتاب *اصحاب فیل* را منتشر کرد. نکته قابل توجه در این کتاب های تصویرگری زیبای این کتاب هاست که صادق صندوقی آنها را طراحی کرده است، همین امر بر جذابیت داستان افزوده است.

اگر بخواهیم به داستان *اصحاب فیل* با نگاهی اجتماعی و سیاسی بنگریم، همین شرایط در ایران قبل از انقلاب نیز وجود داشت. در واقع محمدرضا شاه نیز برای کم رنگ کردن اسلام و دین، به راهکارهای مختلفی متوسل شده بود. اما در جامعه سنتی ایران هنوز هم افرادیافت می شدند که با آن شرایط و زندگی در آن محیط، هنوز به اسلام باور عمیق و اعتماد فراوان داشتند، آنها حتی برای احیای دین، تلاش های بسیار کرده بودند.

نویسنده با نقل چنین داستانی در سال ۱۳۵۵، عینی دو سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، پیروزی اسلام و مذهب را در مقابل کفار و ظالمان پیش بینی می کند. در داستان، نویسنده حمایت خداوند از شهر مکه و برگرداندن حیلله های ابرهه به خودش و لشکرانش را به دلیل خاندان و اجتماع قریش می داند. پس پیش بینی می کند که خداوند نیز در حمایت از اجتماع ایران روزی تمامی ستم های پهلوی را به خودشان باز می گرداند.

دعوتی در این داستان اسلام را مایه پیروزی می داند، ولی خواننده را مانند دیگر کتاب های نوشته شده در چند سال قبل از پیروزی انقلاب، به عمل سیاسی تشویق نمی کند. برای مثال یکی دیگر از کتاب های میرابوالفتح دعوتی، حضرت تونس (ع) می باشد. این کتاب نیز با نقاشی های صادق صندوقی ظاهری بسیار جذاب دارد. مردم در این داستان نیز گرفتار ستمگری بسیار هستند و فساد سراسر سرزمینشان را گرفته است. نویسنده شرایط زندگی در این داستان را درست مانند آن سال ها می داند. برای رها شدن مردم از این اوضاعی نابسامان، خداوند پیامبری برای آنها می فرستد تا جامعه را اصلاح کند.

میرابوالفتح دعوتی، در داستان حضرت تونس (ع) نیز باز گشت به دین را راه حل رهایی از

ظلم و ستم و فساد می‌داند. او در انتهای داستان، مردم را مقصر گرفتار شدن جامعه به فساد و ظلم می‌داند اما اعتراض و عمل علیه حکومت جایی در داستان ندارد. ولی دعوت به صبر و شکیبایی و تا ظهور منجی و لطف خدا و حمایت او در سراسر این دو داستان دیده می‌شود.

نتیجه‌گیری

با دقت در مراحل پیش از رخداد انقلاب اسلامی در ایران می‌توان تحولاتی را در ادبیات این دوره مشاهده کرد. نه تنها ادبیات به معنای اعم دچار تغییراتی شده بود، بلکه ادبیات کودک و نوجوان نیز تغییر کرده بود. فعالیت‌های فرهنگی علیه رژیم ظالم از سال‌های اولیه دهه ۳۰ آغاز شده بود، اما ادبیات کودک و نوجوان با ورود به دهه چهل کارکردی متفاوت پیدا کرد. در این دوره داستان‌های مذهبی و به طور خاص داستان زندگی پیامبران و امامان، به شکلی جدید عرضه می‌شد، که ارزش‌های اسلامی را مجدداً تعریف می‌کرد. به این دلیل که در آن سال‌ها به علت کم‌رنگ شدن اسلام در اجتماع، بسیاری از مفاهیم اصیل اسلامی معنای خود را از دست داده بودند، حتی دین نیز به حوزه فردی زندگی منتقل شده بود. بنابراین لزوم روایت این داستان‌ها در جامعه احساس می‌شد. پس اولین قدم در راه هدایت مردم این بود که به منظور اصلاح مفاهیم، داستان‌هایی بیان شوند و در خلال این داستان‌ها انتقاداتی نیز به جامعه و حکومت مطرح شود. این روند تقریباً تا اواخر دهه چهل توسط دو نویسنده، شهید مطهری و مرحوم مصطفی زمانی، پی گرفته شد. اما با ورود به دهه پنجاه و تغییرات مهم‌تر جامعه، این ادبیات به سمت ادبیاتی انقلابی و انتقادی نزدیک شد. محمود حکیمی از نویسندگان فعال این دوره است که داستانی مانند «نقابداران جوان» را نوشت. در این کتاب به صراحت انتقاداتی مطرح می‌شود. همین تفاوت میان کتاب‌های این دوره با دوران دهه چهل می‌باشد. با نزدیک‌تر شدن به سال وقوع انقلاب اسلامی، این ادبیات لحن تندتری بخود می‌گیرد. دیگر آن انتقادات تبدیل به تشویق برای عمل سیاسی شده است. قیام‌ها و نهضت‌های شیعیان در دوره‌های مختلف روایت می‌شوند، به عبارت دیگر قیام مسلحانه را نویسندگان روشنفکر ترویج می‌دهند.

نقطه اشتراک تمامی داستان‌ها از شروع دهه چهل تا پایان سال ۱۳۵۷، این است که در آنها تمرکز بر ارائه اسلام حقیقی به کودکان و نوجوانان است. مفاهیم باز تعریف می‌شوند و اسلام اجتماعی به نسل نوجوان معرفی می‌شود. در اکثر این داستان‌ها از حکومت

حضرت علی علیه السلام به عنوان حکومت آرمانی نام برده می شود، البته باید توجه داشت که امیرالمؤمنین علی علیه السلام تنها امامی بودند که حکومتی اسلامی تشکیل دادند. در برخی داستان‌های مفهوم انتظار مثبت معرفی می شود و قیام امام حسین علیه السلام، الگوی قیام آزادی بخش مطرح می شود. قرآن و نهج البلاغه نیز از منابع اصلی مورد استفاده در این کتاب‌ها هستند.

منابع و مأخذ:

۱. اخوان مفرد، حمیدرضا. (۱۳۸۱). «تشیع و انقلاب ایران». **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**. شماره ۵۷. پاییز ۱۳۸۱.
۲. اخوان مفرد، حمیدرضا. (۱۳۸۰). «ایدئولوژی انقلابی امام خمینی احیای تشیع». **مجله قیسات**. شماره ۲۲. زمستان ۱۳۸۰.
۳. ایمن، لیلی و خمارلو، توران و دولت آبادی، مهدخت. (۱۳۵۷). **گذری در ادبیات کودکان**. تهران: شورای کتاب کودک.
۴. آبراهامیان، رواند. (۱۳۸۴). **ایران بین دو انقلاب**. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی.
۵. باقی، عمادالدین. (۱۳۸۳). **تولدک انقلاب**. تهران: سرایی.
۶. بریتون، کرین. (۱۳۶۲). **کالبد شکافی چهار انقلاب**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نو.
۷. بیات، آصف. (۱۳۷۹). "مقایسه جنبش‌های اسلامی در ایران و مصر". **گفتگو**. شماره ۲۹. پاییز ۱۳۷۹.
۸. تبریزی، قاسم. (۱۳۸۸). «سیری در زندگی و مبارزات حجت الاسلام مصطفی زمانی نجف آبادی». **پیام بهرستان**. شماره ۵. پاییز ۱۳۸۸.
۹. حکیمی، محمود. (۱۳۵۲). **قهرمان کیست؟**. قم: دارالتبلیغ اسلامی.
۱۰. حکیمی، محمود. (۱۳۵۳). **پرواز به سوی سیاره آزادی**. تهران: کانون انتشار.
۱۱. حکیمی، محمود. (۱۳۵۶). **شهادای فخر**. تهران: جهان آرا.
۱۲. حکیمی، محمود. (۱۳۵۴). **سلحشوران علوی**. تهران: امید.
۱۳. حکیمی، محمود. (۱۳۶۶). **نقابداران جوان**. تهران: قلم.
۱۴. حکیمی، محمود. (۱۳۸۵). **مجله سوره**، شماره ۲۵، خرداد و تیر ۱۳۸۵.
۱۵. دعوتی، میرابوالفتح. (۱۳۵۵). **اصحاب فیل**. قم: دارالتبلیغ اسلامی.
۱۶. دعوتی، میرابوالفتح. (بی تا). **حضرتونس علیه السلام**. قم: دارالتبلیغ اسلامی.
۱۷. زمانی، مصطفی. (۱۳۴۶). **ای خدا چرا رفوزه شدم؟**. قم: پیام اسلام.
۱۸. زمانی، مصطفی. (۱۳۴۷). **دختر وظیفه شناس**. قم: دین و دانش.
۱۹. زمانی، مصطفی. (۱۳۴۸). **هرگ سبز**. قم: دین و دانش.
۲۰. شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۸۲). **برهه انقلابی در ایران**. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.

۲۱. شجری، رضا. (۱۳۸۴). **بررسی اجمالی و تحلیل ادبیات کودکان در ایران، از آغاز تا دهه هفتاد**. تهران: عیاران.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). **داستان راستان**. (ج. ۱ و ۲). تهران: صدرا.
۲۳. هنری لطیف پور، دالله. (۱۳۸۰). **فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.